

# سهم بزرگ طالبان، هدف استراتژیک داعش و زیان دولت

عبدالرحمن فهیمی



به صورت بهتر نسبت به کشورهای فاعد مالی خارجی شده و دولت را سر پا ایستاده کند را تبدیل به ناامیدی می کند. بنابراین، در معادن ولایت بدخشان (ممکن است در همه ولایت ها) طالبان سهم بزرگ پنجاه درصدی و فرماندهان محلی و نمایندگان مجلس درآمد هنگفت دارند، اما دولت زیان کلان را متحمل شده و می شود.

در کنار دیگر عوامل چون جمعیت توانمند و متخصص که توانایی مدیریت فرایند توسعه را داشته باشد، قدرت نظامی و اطلاعاتی که در برابر حمله های آشکار و پیدای نظامی و توطئه های زیر زمینی اطلاعاتی دشمن به صورت جدی واکنش نشان بدهد و ویژگی های جغرافیایی و سراسر زمین، منابع طبیعی که در دل زمین وجود دارند، در زمره منابع قدرت ملی به شمار می آیند. این شیکه ها افراد نفوذی خوش را در بدنه دولت ها و در موقعیت ها و پست های مهم می گمارند، تا اجرای برنامه ها را تسهیل کنند.

به هرحال، ذهن هر شهروند کشور، به سمت ضعف دولت هدایت می شود، چرا نخبگان قدرت و حکومت از فساد پیشگان

بزرگ ترین جریان تروریستی و تهدیدزا، سربازان حلقه به گوش نهادهای اطلاعاتی منطقه است و با ساز و آهنگ که پیش می شود، می رقصدند. این نکته در همه ی گیری های دولت به ویژه ریاست جمهوری به چشم می خورد، او هر باری که در مورد دوستان و همکاران صمیمی کشور حرف می زند، یک گذر به سیاست ها و رویکرد کشورهای غیر هم می زند و مداوم این سخن را تکرار می کند که امیدوارم دیگران هم رویکرد دوستان ما را برگزینند. بنابراین، با این وجود و با این پندار، باید به ابزارهای که دشمنان کار می گیرند، نباید ترحم شود و فرصت داده شود. با این که رویکرد دولت در برابر طالبان جدی تر شده است و سربازان ارتش ملی آماده ی نبرد بوده اند و خواهند بود، اما، هنوز علایم نشانه های جدیت و قاطعیت در جبهه های نبرد دیده نمی شود. طبق گفته ها، سربازان هنوز حالت دفاعی در برابر دشمن داشته و اجازه ی تهاجم داده نمی شود. حتی در مورد حادثه ی کشتار و گروگان گیری در کندز، یکی از سربازان از حقیقت مهم پرده برداشت؛ آنان می دانستند که طالبان می

خواهند مسافران را کشته و گروگان گیرند، اما اجازه ی پیشگیری از این حادثه داده نمی شود.

از سوی دیگر، بازپرسی و در نهایت محاکمه مقامات بلند رتبه ی دولتی کنونی و پیشین، بحث است که اراده ی جدی سیاسی می طلبد. فساد پیشگان یا با مقام های بلند رتبه ی دولتی رابطه ی سیاسی دارند و یا این که مرتبط به احزاب جریانی ها به بهانه های مختلف استند که قادر به اعمال فشار سیاسی بر دولت هستند، این جریانی ها با مقام های سیاسی هستند که در بهانه های مختلف سیاسی بر دولت فشار بر دولت خواهند گذاشت. فساد پیشگان با مقام های سیاسی بر دولت هستند، این جریانی ها به بهانه های مختلف مثلا به واسطه راندن و کنار زدن مجاهدان گدیمان های را مطرح می کنند تا با اعمال فشار بر دولت خواهند گذاشت.

ولی در یازدهم باید این مبارزه آغاز شود، پایستی با شبکه های فساد که از حکومتی با شبکه های فساد تشکیل شده و مثل زنجیر با هم بافت خورده اند، مبارزه کرد. در غیر این صورت مبارزه با فساد به معنای خریدن روی دور باطل خواهد بود.

## سرمقاله

### افغانستان و فساد اداری ناپذیر

حفیظ الله زکی

فساد اداری در افغانستان به یک هیولای وحشتناک تبدیل شده است. این هیولا نه تنها زندگی روزمره مردم را مختل کرده و روند عادی آن را با اشکال مواجه ساخته که حیات اقتصادی و اجتماعی مردم را نیز باخطر جدی مواجه کرده است. اگرچه میزانی از فساد در کشوری با حاکمیت های قومی و انحصاری مانند افغانستان امر عادی و اجتناب ناپذیر به حساب می آید؛ اما مشکل افغانستان به حدی است که فساد به لحاظ گستردگی و عمق به امر غیر قابل جلوگیری تبدیل شده که شکل مبارزه با این پدیده را دشوار کرده است.

فساد در همه کشورهای وجود دارد؛ اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت می باشد، همچنان که نتایج و پیامدهای آن نیز بسته به نوع سازمان سیاسی، اقتصادی و سطح توسعه یافتگی فرق می کند. در تمام کشورهای پدیده فساد اداری موجب نقض قوانین و مقررات گردیده، کارایی ادارات را کاهش داده، باورهای اخلاقی را به انحطاط می کشاند و اعتماد میان دستگاه اداری و مردم را کاهش می دهد. از همین رو در کشورهای دموکراتیک و توسعه یافته به شدت با این پدیده نامیمون مبارزه کرده و جلو رشد و گسترش آن را می گیرند تا بر کارآمدی و سلامت فعالیت های اداری تأثیر منفی بجا نگذارند. در افغانستان از یک طرف نظارت و کنترل بر فعالیت های اداری وجود ندارد و همه چیز بر مبنای معامله و اصل خویشاوندسالاری به پیش می رود و از سوی دیگر اراده جدی و سازنده برای اصلاح نظام اداری موجود نیست تا در آینده امیدواری های در ارتباط با کاهش فساد خلق شود و از همه مهمتر این که فساد در افغانستان با پدیده های مغرب موادم مخدر و تروریسم گره محکم خورده است. اکنون ما در برابر این پرسش که چه کسانی باید با فساد مبارزه کنند؟ پاسخ قناعت بخشی نخواهیم داشت. زیرا همان مقامات و سازمان هایی را که مردم باید انتظار داشته باشند، تا با فساد مبارزه کنند، بیشتر یای شان در باتلاق فساد گیر هستند، پس چگونه می توانند با پدیده ای مبارزه کنند که حیات، زندگی، قدرت و درآمد شان به آن وابسته می باشد. به همین خاطر اراده مبارزه با فساد تا هنوز به صورت مؤثر در افغانستان شکل نگرفته و تلاش های فرمالیستیکی در این زمینه نیز کارساز نبوده است. فساد در افغانستان یکی از سه ضلع مثلثی را تشکیل می دهد که هستی و ماندگاری سازمان سیاسی و ارزش های دموکراتیک را نشانده گرفته است. این سه ضلع در تعامل با همدیگر بزرگترین و خطرناکترین تهدید علیه پایایی نظام سیاسی را به وجود آورده است.

در سال های گذشته ما از یک طرف شاهد گزارش های تکانه دهنده فساد در ادارات مختلف دولتی بودیم و از طرف دیگر نظاره گر کارکردهای کمیسیون ها و اداراتی که مبارزه با فساد را هدف و شعار خود قرار داده بودند. در این میان اما کمتر شاهد موفقیت و یا کارکرد جدی و صادقانه کمیسیون های مبارزه با فساد بوده ایم. فساد همچنان رو به گسترش است و نوعیت آن هر روز پیچیده تر می شود؛ اما روند مبارزه با آن همچنان در پستوهای ملاحظه کاری و ترس متوقف مانده است.

در تازه ترین مورد گزارش کمیته مستقل و مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه بافساد اداری، نشان می دهد که فساد در سکتور صحت از جمله اخذ رشوه، جعل وتزویر، استخدام براساس شناخت، عدم رسیدگی لازم به مریضان، تبعیض و تعصبات قومی، مشکلات درقراردادها، ضعف مدیریت و حسابداری، سرعت تیل، غذا و ادویه و... به شکل گسترده وجود دارد که این معضل، باعث بی اعتمادی مردم نسبت به این سکتور شده است.

بیش از هر زمانی احساس می شود.

بشر امروزی در عصر انفجار اطلاعات قرار دارد و تمام حوادث را در کوتاه ترین مدت زمانی، از سراسر جهان می تواند بشنود و ببیند. او قابلیت دسترسی به میزان بالای اطلاعات از طریق رایوو، تلویزیون، ماهواره، انترنت، روزنامه و ده ها رسانه اجتماعی دیگر از حوادث روزانه در جهان

صلح کلمه شیرینی برای بشر بوده و هست، صلح برای شهروند افغانی نیز با تمام شیرینی اش، اما دست نیاقتی نمی نماید. در جهان امروز، که جهان در پرگاه جنگ و ناامنی قرار گرفته و کشورهای زیادی در سراسر جهان درگیر در ناامنی و جنگ هستند، و تروریسم به مغضلی جهانی تبدیل شده است، نیاز به صلح بیش از هر زمانی احساس می شود.

بشر امروزی در عصر انفجار اطلاعات قرار دارد و تمام حوادث را در کوتاه ترین مدت زمانی، از سراسر جهان می تواند بشنود و ببیند. او قابلیت دسترسی به میزان بالای اطلاعات از طریق رایوو، تلویزیون، ماهواره، انترنت، روزنامه و ده ها رسانه اجتماعی دیگر از حوادث روزانه در جهان

# سرانجام صلح در افغانستان

سید نجیب الله موسوی فراز



دست داده بودند برای رسیدن به امنیت، از این گروه (طالبان) حمایت کردند ولی وضعیت اولیه طالبان باقی نماند و بسترزاف چند صباحی عمر نکرد. بعد از سپری شدن چند مدت و تسلط بر مناطق قابل ملاحظه ای در ولایات، چهره خشن و رعب آور خودش را رونما کرد و باری دیگر این وطن ششاهد دوره جدیدی از جنگ های طاقت فرساتر توسط این رژیم شد.

از آنجایی که هیچ علتی بدون معلول نیست. سلسه این همه تا امنی های بزرگ و مستمر و عدم تأمین صلح در این کشور (افغانستان) ناشی از دخالت های دوامدار کشورهای خارجی و با هم پیمانان منطقه ای آنها که در حقیقت مجریان سیاست خارجی آنها است می باشد. و دلیل این همه پیکار کشورهای قدرتمند برای حضور در این کشور ریشه در موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان دارد. کشور افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی حیثیت چهار راهی در قلب آسیا با وصل نمودن شرق را به غرب آسیا و شمال را به جنوب آسیا دارد.

گذشته از موقعیت ترانزیتی این کشور، جایگاه افغانستان در نظریات ژئوپلیتیکی هارتلند که توسط سر هالفورد مک کیندر انگلیسی و نظریه ژئوپلیتیکی ریملند که توسط نیکولاس جی اسپیکمن آمریکایی و نظریه بیضی استراتژیک انرژی مطرح شده توسط جفری کمب که این نوشتار را مجال حوصله این مباحث نیست؛ از جایگاه ویژه برخوردار است. جغرافیادانان

دست داده بودند برای رسیدن به امنیت، از این گروه (طالبان) حمایت کردند ولی وضعیت اولیه طالبان باقی نماند و بسترزاف چند صباحی عمر نکرد. بعد از سپری شدن چند مدت و تسلط بر مناطق قابل ملاحظه ای در ولایات، چهره خشن و رعب آور خودش را رونما کرد و باری دیگر این وطن ششاهد دوره جدیدی از جنگ های طاقت فرساتر توسط این رژیم شد.

از آنجایی که هیچ علتی بدون معلول نیست. سلسه این همه تا امنی های بزرگ و مستمر و عدم تأمین صلح در این کشور (افغانستان) ناشی از دخالت های دوامدار کشورهای خارجی و با هم پیمانان منطقه ای آنها که در حقیقت مجریان سیاست خارجی آنها است می باشد. و دلیل این همه پیکار کشورهای قدرتمند برای حضور در این کشور ریشه در موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان دارد. کشور افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی حیثیت چهار راهی در قلب آسیا با وصل نمودن شرق را به غرب آسیا و شمال را به جنوب آسیا دارد.

گذشته از موقعیت ترانزیتی این کشور، جایگاه افغانستان در نظریات ژئوپلیتیکی هارتلند که توسط سر هالفورد مک کیندر انگلیسی و نظریه ژئوپلیتیکی ریملند که توسط نیکولاس جی اسپیکمن آمریکایی و نظریه بیضی استراتژیک انرژی مطرح شده توسط جفری کمب که این نوشتار را مجال حوصله این مباحث نیست؛ از جایگاه ویژه برخوردار است. جغرافیادانان

دست داده بودند برای رسیدن به امنیت، از این گروه (طالبان) حمایت کردند ولی وضعیت اولیه طالبان باقی نماند و بسترزاف چند صباحی عمر نکرد. بعد از سپری شدن چند مدت و تسلط بر مناطق قابل ملاحظه ای در ولایات، چهره خشن و رعب آور خودش را رونما کرد و باری دیگر این وطن ششاهد دوره جدیدی از جنگ های طاقت فرساتر توسط این رژیم شد.

از آنجایی که هیچ علتی بدون معلول نیست. سلسه این همه تا امنی های بزرگ و مستمر و عدم تأمین صلح در این کشور (افغانستان) ناشی از دخالت های دوامدار کشورهای خارجی و با هم پیمانان منطقه ای آنها که در حقیقت مجریان سیاست خارجی آنها است می باشد. و دلیل این همه پیکار کشورهای قدرتمند برای حضور در این کشور ریشه در موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان دارد. کشور افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی حیثیت چهار راهی در قلب آسیا با وصل نمودن شرق را به غرب آسیا و شمال را به جنوب آسیا دارد.

گذشته از موقعیت ترانزیتی این کشور، جایگاه افغانستان در نظریات ژئوپلیتیکی هارتلند که توسط سر هالفورد مک کیندر انگلیسی و نظریه ژئوپلیتیکی ریملند که توسط نیکولاس جی اسپیکمن آمریکایی و نظریه بیضی استراتژیک انرژی مطرح شده توسط جفری کمب که این نوشتار را مجال حوصله این مباحث نیست؛ از جایگاه ویژه برخوردار است. جغرافیادانان

## کارتون روز



بدون شرح

جنگ تا زمانی ادامه پیدا می کند که با هر دو طرف براساس بازی برد برد (تقسیم منافع) به تفاهم برسند و با هم یک طرف عامل جنگ به شکست مواجه شود. در این صورت نیز صلح به وجود نمی آید یک وضعیت امنیت نسبی به وجود می آید که هر لحظه ممکن است آتش رقابت زبانه بکشد. شاهد مثال این مدعا را می توان شکست آلمان در جنگ اول جهانی و متحمل شدن غرامت سنگین در اثر معاهده ورسای و پیش آهنگ شدن آلمان در جنگ دوم جهانی برشمرد. اما آنچه جزیی که می تواند شرایط به وجود آمدن صلح را مهیا و استمرار صلح را تأمین کند شاید بتوان در وجود سه شرط جست. اول اینکه برای تأمین صلح طرفین به یک دشمن مشترک برخورد نمایند که هرکدام به تنهایی از میدان داری با آن رقیب عاجز باشند. این شرط در قضا به صلح افغانستان و طالبان وجود ندارد بلکه خودی همین مسئله بین دولت افغانستان و گروه طالبان تبدیل به مسئله ی کلیدی شده، مثلا طالبان یکی از علت های مبارزات شان را حضور نیروهای خارجی در افغانستان می دانند و دولت حضور آن ها (نیروی های خارجی را) باعث تداوم و بقای حکومت مردمی می دانند. دومین عامل صلح موجودیت منافع بین طرفین می باشد. دولت افغانستان منافع ملی کشور را در اجرای شدن سیاست خارجی و داخلی بر مبنای نظام دموکراسی و همسو با نظام بین المللی و ارزشهای حاکم در محیط بیسن المللی مانند رعایت حقوق بشر، اشتراک فعال زنان و قانون اساسی منعطف می دانند، ولی طالبان مخالف قانون اساسی فعلی، مخالف حضور زنان و طرفدار یک نظام حکومتی از نوع خلفای اسلامی می باشد. که در این بعد نیز طرفین مذکره دارای منافع مشترک نه بلکه در تقابل هم دیگر قرار دارند. سومین عنصر صلح آفرین، رسیدن طرف های جنگ به هدف مشترک می باشد، آیا می توان بیسن دو جریان سیاسی (حکومت افغانستان و طالب) که دارای خطوط کفری «روشننگری» (تجدد گرا) و «ایدئولوژیک (به شدت سنتی)» منجر به دو قاعده متضاد در ساختار و نظام سیاسی (دموکراسی و خلفایی) هدف مشترک یافت؟

در یک نگاه با این وصف و بسط از موضوع، گفتن صلح (نشست) های چهار جانبه (صلح) برای افغانستان جبر اتلاف وقت چیزی دیگری نخواهد بود و تا زمانی که زمینه های واقعی صلح به وجود نیاید باید جنگ و ناامنی را تحمل کنیم.

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مستولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۷

The Daily Afghanistan

Outlook AFGHANISTAN